

اسکان غیررسمی؛ ناهنجاری‌های اجتماعی و راهکارهای تعدیل آن

(مطالعه موردی شهر بهشهر)

قربان اسلامی راد

دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر

یاسر قاسمی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش ۱۳۸۸/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت ۱۳۸۸/۱۰/۱۴

چکیده

اسکان غیررسمی و گسترش آن در چند دهه گذشته آسیب‌های بسیار جدی به بافت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری از شهرها وارد کرده‌است. امروزه بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه با مسایل و مشکلات مشابهی چون رشد شتابان جمعیت معضل اشتغال و گسترش بخش غیررسمی و محله‌های فقیرنشین و ناپایداری شهری در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی و... مواجه‌اند که این مسایل تحت تأثیر عوامل محلی، منطقه‌ای و ملی قالب‌های متفاوتی به خود گرفته‌اند. در این مقاله سعی ما بر آن بوده تا معضلاتی را که این گونه سکونتگاه‌ها برای شهر بهشهر به وجود آورده‌اند را شناسایی نموده و مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهیم. در این خصوص اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه، منابع اسنادی، مصاحبه و... جمع‌آوری شده که نتایج آن پس از ارزیابی حاکی از مشکلات اجتماعی عدیده‌ای چون اعتیاد، مفاسد اخلاقی، ناامنی، جرائم و انتشار بیماری‌های عفونی و واگیر در سطح شهر بوده‌است.

واژگان کلیدی: اسکان غیررسمی - ناپایداری شهری - بافت اقتصادی و اجتماعی - بزه‌های اجتماعی و فرهنگی - بهشهر.

مقدمه

در حال حاضر جهان، عصر کاملاً جدیدی را در شهرنشینی از سر می گذراند. در این فرآیند به شهرهای کوچک و بزرگ کشورهای فقیرتر جهان هر ساله به نحو بهت آوری ۴۵ میلیون سکنه جدید اضافه شده است که علاوه بر نارسائی های ساختاری باعث ضعف دسترسی به خدمات و قطب بندی های اجتماعی هم شده است. اما به علت تفاوت مسایل پیش روی کشورهای در حال توسعه از لحاظ مقیاس ضروری است تا ابتکارات برنامه ریزی بر شالوده های گوناگونی استوار باشد همان طوری که ویلیامز و تیلور (۱۹۸۲)^۱ خاطر نشان کردند که برنامه ریزی در جوامع در حال توسعه بیشتر نیازمند تأکید بر برنامه های اجتماعی است تا برنامه ریزی کالبدی (پاتر، ۱۳۸۴: ۴۷). در سال های اخیر، عمیق شدن شکاف و نابرابری ها و نابسامانی اقتصادی و اجتماعی و مهاجرت شدید روستاییان به شهرها به ویژه به مادرشهرها و کلان شهرها که معلول سیاست های نامتعادل بوده با پیامدهایی چون حاشیه نشینی، زاغه نشینی، آلودگی و آلودگی و یا به طور کلی اسکان غیررسمی در حاشیه شهرها و حتی در بخش مرکزی همراه بوده است. حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی با مفهوم امروزی آن به طور عمده در کشورهای جهان سوم و با رشد صنعتی کشورها شروع و با مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها تبدیل به بحران های اجتماعی و روانی شده است. اینجاست که انسان شهرنشین و همه سازمان های علمی و اداری در جهت نجات شهرها از این بحران باید همه علوم و دانش های بشری و به ویژه برنامه ریزی شهری را به کار بگیرند. آنچه مسلم است در ایران پس از ورود و استقرار سرمایه داری وابسته، پدیده حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی بوجود آمد اما رشد آن عمدتاً از سال ۱۳۲۰ شمسی شدت یافت. و پس از تغییرات عمده در فاصله سال های ۱۳۴۲ به بعد دولتمردان و پژوهشگران در جهت حل این پدیده شوم و زشت جامعه، دست به اقداماتی زدند، ولی بیشتر این مطالعات در حد شناخت جامعه آماری و بدست آوردن مشخصات این گونه جوامع بوده و کمتر به تحلیل مسئله پرداختند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز برنامه های کوتاه مدتی برای حل این معضل ارائه شد، که نتایج حداقلی چون بهبود نسبی وضع بهداشت را در برداشت. اما متأسفانه هنوز برنامه ای بلند مدت و موفق طرح ریزی نشده و به همین خاطر از گوشه و کنار می توان ابعاد تازه ای که به این معضل اضافه شده را مشاهده نمود (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۵).

سئوالات تحقیق

- ۱- آیا حاشیه نشینی در شهر به شهر منشاء بسیاری از انحرافات اجتماعی بوده است؟
- ۲- آیا جرم و بزه اجتماعی در محلات حاشیه نشین منجر به افزایش ناهنجاری های شهری شده است؟
- ۳- آیا محیط های غیر بهداشتی در محلات حاشیه نشین باعث گسترش انتشار بیماری های عفونی و واگیردار در شهر به شهر شده است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

گسترش حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در چند دهه گذشته، در بسیاری از شهرهای مازندران به خصوص بهشهر، ماهیت شهر را دستخوش دگرگونی و تغییر کرده است به طوری که این تغییرات با توجه به محیط‌های فرهنگی و اجتماعی به شیوه‌های مختلفی ظاهر شده‌اند.

مسئله حاشیه‌نشینی در بهشهر با مهاجرت روستاییان و افراد خارج از این منطقه و اشغال زمین‌های اطراف شهر که مالکی نداشته‌اند، به وجود آمده است. اگر برنامه‌ریزان شهری برای این مشکل چاره‌ای نیندیشند؛ با افزایش مهاجرت‌ها، مسئله حاشیه‌نشینی موجب بروز انبوهی از مشکلات به صورت سیستمی خواهد شد و تمامی ساختارهای شهری و عملکردهای آن را در بر می‌گیرد که با نظام مدیریتی سنتی و وضعیت اقتصادی شهر، نمی‌توان این مشکلات را حل نمود. بنابراین در صورت عدم توجه به این مسئله، با افزایش جمعیت حاشیه‌نشین، مسائل و جرائم اجتماعی افزایش می‌یابد (هادی‌زاده بزاز، ۱۳۸۲: ۶۴).

از نظر سیاسی و اجتماعی هم می‌توان سرچشمه بعضی از مسائل و جرائم اجتماعی و ناامنی یک شهر را در مناطق حاشیه‌نشین جستجو کرد. البته محرومیت‌های آشکار اجتماعی و اقتصادی این مناطق نسبت به سایر نقاط شهر ارتباط تنگاتنگی با میزان جرم و بزه‌های اجتماعی این مناطق دارد و بهشهر هم از این قاعده مستثنی نبوده و در پی آن نظام مدیریتی و قانونی توان حل این معضلات را نداشته و نبود قوانین نیز به این مشکل دامن زده است.

بنابراین اهمیت پرداختن به مسئله حاشیه‌نشینی، نه تنها از نظر ارزش‌های اعتقادی و انسانی بلکه به دلیل منافع اجتماعی و اقتصادی و توسعه ملی امری ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است مدیریت شهری مناسب و همگرایی و تشریک مساعی تمامی عوامل در حل این معضل بسیار مؤثر خواهد بود.

روش تحقیق :

با توجه به انواع تحقیقات براساس ماهیت و روش، در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

الف- روش گردآوری اطلاعات:

• روش اسنادی :

- استفاده از کتاب‌ها، مجلات و گزارش‌ها در زمینه تحقیق و استفاده از پایگاه‌های اینترنتی

• بررسی‌های محلی و عملیات میدانی در سطح شهر:

- مصاحبه با مسئولین ادارات و سازمان‌های که در مورد مسئله مورد پژوهش آگاهی داشته‌اند.

- مشاهده مستقیم محلات حاشیه نشین مورد مطالعه.

_ تهیه و تکمیل پرسشنامه: در مطالعه صورت گرفته جامعه آماری ما متشکل از ۴ محله به نام های کوه خیل، قنبرآباد، تازه آباد و حیدرآباد با ۵۰ خانوار و حدود ۴۰۰ نفر جمعیت بوده است. البته قابل ذکر است که به دلیل بزرگ نبودن جامعه آماری از تمام خانوارهای حاشیه نشین پرسشنامه تهیه گردیده است.

ب- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

در این مطالعه، ابتدا از منابع اسنادی و کار میدانی (پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده) اطلاعات مورد نیاز تهیه شده و پس از تحلیل، آنگاه اثرات اجتماعی محلات حاشیه نشین بر مناطق شهری مورد ارزیابی قرار گرفته است.

تعاریف و مفاهیم پایه

با توجه به اشکال مختلف حاشیه نشینی و تنوع عوامل تشکیل دهنده آن، تعاریف مختلفی نیز از آن ارائه شده است که به طور مختصر به بعضی از آنها اشاره می شود:

عده ای معتقدند که حاشیه نشینان کسانی هستند که در سکونتگاه های غیر متعارف با ساکنین بافت اصلی (شهر) زندگی می کنند، گروه های مزبور بیشتر بر اثر نیروی دافعه ای خاستگاه، مثل فقر و بیکاری و عوامل جاذب شهری از زادگاه خود رانده شده و به شهرهای دیگر روی آورده اند، اما از آنجایی که اکثریت این گروه ها، بی سواد بوده و مهارت لازم را جهت جذب در بازار کار نداشته اند عامل پس ران شهری نیز آنها را رانده و به حاشیه شهر کشانده است (منصوریان و آیت اللهی، ۱۳۵۶: ۲). به عبارتی منظور از حاشیه نشینان، کسانی هستند که در محدوده ای اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده اند (زاهد زاهدانی ۱۳۶۹: ۶). و خود شیوه جدیدی از زندگی را به وجود آورده اند که نسبت به شیوه رایج زندگی متفاوت بوده و با ویژگی های اجتماعی - اقتصادی ویژه خود بافت فیزیکی معینی را به وجود آورده اند (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۰: ۶۴). که می توان به: نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی اشاره نمود (مجله جهاد، ۱۳۶۶: ۵).

حاشیه نشین، به مفهوم کلی به کسی گفته می شود که در شهر سکونت دارد، ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند (عابدین درکوش، ۱۳۶۴، ۱۳۷).

در کشورهای در حال توسعه مثل ایران که در یک مرحله خاص انتقالی قرار گرفته اند، منظور از منطقه حاشیه نشین عبارت است از:

- ۱- منطقه واحدهای مسکونی رو به‌ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها.
 - ۲- تسلط فرهنگ فقر در منطقه.
 - ۳- جدایی‌گزینی توده‌ای از مردم روستایی از جامعه شهری.
 - ۴- شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم‌دوام ساختمانی.
 - ۵- گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهر.
 - ۶- مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه شهرها (شکوئی، ۱۳۵۴: ۱).
- دراکاکیس در کتاب شهر جهان سومی می‌گوید منظور از حاشیه نشینی، خانواده‌های تهیدست و اغلب مهاجر که به تعبیر اسکارلوتیس در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کنند. آنها به طور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می‌دهند (دراکاکیس، ۱۳۷۷: ۱۲۱).
- آنچه از تعاریف گوناگون بر می‌آید این است که حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه، غالباً از مهاجرین تشکیل می‌شود که بنا به علل مختلف، شهرهای بزرگ را هدف قرار داده‌اند ولی به دلیل پایین بودن سطح مهارت فنی و فقدان سرمایه‌ی کافی، قدرت ورود به متن اصلی شهر را نداشته و ناگزیر به پذیرش زندگی حاشیه‌ای شده‌اند. همچنین مکان‌گزینی این قبیل اجتماعات، اغلب در زمین‌های نامرغوب و یا اراضی حاشیه‌ی شهرها به صورت غیرقانونی صورت گرفته که فقر اقتصادی، پایین بودن سطح سواد و بالا بودن جرایم و کمبود خدمات زیر بنایی و مسکن بی‌دوام و یک‌شبه، از خصوصیات مشترک این مناطق به شمار می‌آیند. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت مناطق حاشیه نشین، محدوده‌های خاصی از شهرها هستند که به لحاظ شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی تفاوت آشکاری با سایر مناطق شهری دارند. در این پژوهش منظور از حاشیه نشینان کسانی هستند که به علت عدم مهارت از یک سو و عدم سرمایه و تحصیلات از سوی دیگر نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شوند و این امر باعث عدم تمکین و به حاشیه راندن آنها شده است.

اسکان غیررسمی و مسائل اجتماعی

حاشیه نشینان حامل خصلت‌های اجتماعی هستند که با خصائص جامعه شهری هیچ‌سختی ندارد. آسیب‌های اجتماعی، سهم بالایی از وقوع جرم و جرائم را در کشور به حاشیه نشینان اختصاص داده است، که به دلیل عدم تطابق هنجاری و نائل نشدن به یک شناخت جامع، حاشیه نشینان و همچنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه، یک نوع انحرافات نهادینه شده در کنش آنها به چشم می‌خورد، قاچاق مواد مخدر و جنایت‌های مبتنی بر هیچ‌انگاری ارزش‌های جامعه از موارد قابل ذکر هستند.

رواج مشاغل کاذب و غیررسمی، فقر مفرط اقتصادی و همچنین عدم مهارت فنی در میان مهاجران

حاشیه نشین، مشاغلی را رواج داده که در متن زیست شهری به وضوح قابل رویت است، دستفروشی، قاجاق، دلالی های کاذب، امروز نه تنها در حاشیه شهر بلکه در متن شهرها نیز نمود تام دارد.

در حاشیه شهرهای ایران، آموزش و پرورش به ابتدایی ترین شکل ممکن رواج دارد، به این معنا که عدم تخصیص بودجه متناسب برای امر آموزش و پرورش این نقاط علاوه بر کم سواد شدن آنها، موجب گردید تا جامعه پذیری، درمیان کودکان و نوجوانان حاشیه نشین فرآیندی ناقص و عقیم باشد که این نقصان در افزایش رشد انحرافات جامعه نمود می یابد.

رابطه های قومی در مناطق حاشیه ای موجب شکل گیری اجتماعاتی در دل جامعه شهری شده است که به واسطه آن آداب شهرنشینی و کنش شهروندی به فراموشی سپرده می شود.

عدم برخورداری از بهداشت و امکانات درمانی و تراکم بالای جمعیتی در کنار فقدان سایر امکانات شهری باعث شده که محلات حاشیه نشین از نظر بهداشتی در وضعیت وخیمی به سربرند. آمار بالای بیماری های واگیردار و بیماری های پوستی و گوارشی گواه این مشکلات است.

گرچه ممکن است حاشیه نشینی برای افراد مهاجر یک جهش تلقی شود، اما به طور حتم فرزندان آنها خواسته هایی خواهند داشت که با احساس کوچک ترین شکاف طبقاتی و اختلاف فرهنگی، در تعامل شهری می تواند به مرور به یک ناهنجاری و احساس عقده گشایی تبدیل شود. بدون شک زندگی در سکونتگاه های غیر متعارف، افراد را به روان پریشی و اضطراب دچار می کند که این موضوع ناخودآگاه زمینه خشونت و ارتکاب جرم را فراهم می کند (اسکندری - قاسمی، ۱۳۸۶: ۸۱).

اسکان غیررسمی در شهر بهشهر

حاشیه نشینان بهشهر در چهار محله (کوه خیل، قنبرآباد، تازه آباد و حیدرآباد) و جدا از هم استقرار دارند که به دو گروه جوکی^۱ و گذار^۲ تقسیم می شوند. گذارها در دامنه پیش کوه جهان مورا، کنار یک جاده خاکی دارای شیب و جوکی ها در شمال غربی شهر بهشهر کنار محله زیروان زندگی می کنند. در این محلات بیش از ۵۰ خانوار استقرار دارند که جمعیت آن به حدود ۴۰۰ نفر می رسد که اکثر در سنین زیر ۲۰ سال و مرد هستند. بر اساس منابع به دست آمده گذارها بیش از ۱۵۰ سال پیش در زمان نادرشاه از کشور هندوستان به عنوان نوازنده همراه سپاه وارد ایران شدند و جوکی ها هم حدود ۶۰ تا ۷۰ سال پیش به ایران مهاجرت کردند علت مهاجرت آنها مشخص نیست حاشیه نشینان بهشهر از قومیت کولی ها هستند. که در مازندران با نام های جوکی و گذار شناخته می شود البته خود، گذارها در سه قومیت میرشکاری، شکاری و بزومی^۳ هستند. زبان اصلی حاشیه نشینان زبان غربتی یا همان هندی است که با یکدیگر فقط به این زبان صحبت می کنند و همچنین دارای لهجه مازندرانی هستند (عسکری، ۱۳۵۰: ۱۶۹).

شکل محلات گذارها طولی بود و مساکن آنها در یک کوچه تنگ و باریک، در مقابل هم می‌باشد. عرض کوچه‌ها حتی به ۲ متر هم نمی‌رسد و تنها کاربری موجود، مسکونی بوده که اصلاً وضعیت مساعدی ندارند زیربنای آنها کمتر از ۲۰ متر مربع بوده و معمولاً حدود ۷ تا ۸ نفر در آن زندگی می‌کنند و از مواد مستعملی چون حلب، پلاستیک، پتوی کهنه، گل و... در ساخت مساکن خود استفاده کرده‌اند که هیچگونه امکانات خدماتی و رفاهی ندارند. این مساکن به دلیل داشتن سقف کوتاه و نبود پنجره و تهویه و نزدیک بودن به محل ریختن زباله شهری بسیار آلوده هستند.

این گروه‌ها دارای شغل و درآمد مناسبی نیستند و با صفاتی چون ضعف عواطف انسانی، تکدی‌گری استعمال مواد مخدر در سنین پایین، عدم پایبندی به الزامات شهروندی، زندگی روزمره‌گی و... از دیگر گروه‌های جمعیتی شهر متمایز هستند. از طرف دیگر شرایط نامناسب زیست محیطی، نبود امکانات رفاهی، تراکم زیاد جمعیت و... در این مناطق زمینه گسترش معضلاتی چون گسترش اعتیاد، ناامنی، فساد و... برای محلات شهری شده است.

آسیب شناسی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی محلات حاشیه‌نشین

مشکلات زیست محیطی

- قرار گیری محله در اراضی با شیب بالا.
- ریختن زباله در کنار محل سکونت گذارها توسط محلات شهری.
- استفاده از مصالح ساختمانی نامناسب و نداشتن هیچ‌گونه امکانات رفاهی و بهداشتی.
- تراکم بالای جمعیت در واحدهای مسکونی و عدم رعایت بهداشت.

مشکلات فرهنگی و اجتماعی

- کمبود و یا نبود امکانات آموزشی.
- عدم پذیرش ساکنین این محلات توسط مردم شهر.
- نداشتن امنیت.
- وجود اعتیاد و گرایش به مواد مخدر در سنین پایین.
- عدم تمکن مالی و گرایش به افزایش فساد و بزه‌های اجتماعی و افزایش جرم و جنایت.

مشکلات اقتصادی

- نبودن شغل مناسب و در پی آن نداشتن درآمد کافی.
- عدم توجه سازمانهای دولتی به ایجاد تاسیسات زیربنایی و اشتغال‌زا در این محلات.

اثرات محلات حاشیه‌نشین بر بهشهر

- بروز شرایط ناسالم به دلیل فقدان تسهیلات عمومی نظیر آب آشامیدنی، تخلیه فاضلاب، بهداشت و غیره. باعث بروز شرایط دشوار و سختی در این مناطق شده که به طرز قابل ملاحظه‌ای بر سلامت و زندگی مردم اثر گذاشته است.

- فروش مواد مخدر و افزایش اعتیاد و فساد و افزایش جرائم اجتماعی.

- پراکنده شدن آنها در سطح شهر و تکدی‌گری و ایجاد سد معبر و اشغال پیاده‌روها مشکلاتی را برای شهروندان بوجود آورده است.

- مسائل و مشکلات بهداشتی مانند ریختن زباله و فاضلاب در رودخانه‌ی شهر.

- مسکن و محلات حاشیه‌نشینان، منظره نامناسبی را به جامعه شهری تحمیل و آثار نامطلوبی بر جای گذاشته است.

- گرایش آنها به شغل‌های حاشیه‌ای و کاذب مانند دستفروشی، دوره‌گردی، اغذیه‌فروشی‌های غیر بهداشتی، سیگارفروشی و نوازندگی در سطح شهر مشکلاتی را برای کسب‌وکار مردم به وجود می‌آورد.

توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین (اسکان غیر رسمی)

به طور کلی سیاستها و روش‌های برخورد با مسئله‌ی اسکان غیررسمی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- استراتژی مقابله با حاشیه‌نشینی با تاکید بر اینکه پیشگیری بهتر از درمان است بیش از هرچیز پیشگیری را توصیه می‌نمایند.

۲- راهبردهای موضعی و موقتی که راه‌حلی همچون تخریب کامل، تخریب و نوسازی مجدد، بهسازی و توانمندسازی مربوط به مناطق حاشیه‌نشین را مطرح می‌کند. امروزه از میان روش‌های ارائه شده برای حل معضل حاشیه‌نشینی، روش توانمندسازی تأکید می‌شود.

روش توانمندسازی با تکیه بر توان‌های بالقوه‌ی حاشیه‌نشینان مطرح شده است و بر این اصل استوار است که دولت‌ها به عوض کمک‌های مستقیم و بلاعوض که شخصیت حاشیه‌نشینان و کرامت انسانی آنها را خدشه‌دار می‌سازد، می‌باید از طریق ارتقای سطح آموزش و ایجاد مهارت‌های لازم و امکان دسترسی به ابزار کار و فعالیت‌هایی از این قبیل، زمینه‌های اشتغال و افزایش درآمد و بهبود سطح زندگی حاشیه‌نشینان و فقرای شهری را فراهم آورند (صفوی، ۱۳۸۱: ۶۷). در خصوص توانمندسازی این مناطق می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت و کنترل موالید. برای حل معضلات محیطی و شهری باید، به جای مقابله با معلول، به یافتن و خشکانیدن ریشه‌ها پرداخت. در بین عواملی که به بحران شهری و حاشیه‌نشینی دامن می‌زنند، افزایش جمعیت از اهمیتی خاص برخوردار است.

۲ - به رسمیت شناختن حقوق شهروندی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین در برنامه‌ریزی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و تأمین اعتبار مالی و پرداخت تسهیلات و وام برای بهسازی و نوسازی واحدهای مسکونی آنها و به رسمیت شناختن اولویت‌های گروه‌های فقیر و کم درآمد در نظام برنامه‌ریزی کشور.

۳ - ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای حاشیه‌نشینان به خصوص در بخش‌های تولیدی کشور به منظور کاهش بیکاری و اشتغال در اقتصاد غیررسمی و شغل‌های کاذب و انگلی از یک سو و افزایش درآمد و کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی آنها و گسترش عدالت اجتماعی، اقتصادی برای تمامی گروه‌های اجتماعی از سوی دیگر.

۴ - مدیریت شهری خردمحور برای ساماندهی و آمادگی پذیرش اسکان کم درآمد در شهر؛ که این مدیریت بایستی به صورت بین‌بخشی و همراه با مشارکت اهالی اعمال گردد و همچنین ایجاد امنیت برای فقرای شهری و تلاش برای برهم زدن حاشیه‌ی امنیت فرصت‌طلبان، مفسدان و باندهای جنایتکار در این سکونتگاه‌ها با مسئولیت و دخالت نهادهای مسئول به منظور مقابله با مسایل و انحرافات اجتماعی.

۵ - بهترین راه حل برای ایجاد فرآیند جدید توسعه در اجتماعات حاشیه‌نشین، ساماندهی و بهسازی کالبدی به همراه توانمندی‌سازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و عامل اصلی و مهم برای ساماندهی و توانمندسازی حاشیه‌نشین، ایجاد مدیریت یکپارچه در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی است؛ این امر نه تنها می‌تواند باعث کنترل مهاجرت شود؛ بلکه با ایجاد دیدی گسترده و همه‌سوی، کمک زیادی به ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های نامناسب شهرها خواهد کرد.

۶ - بالا بردن تخصص و مهارت نیروی کار موجود در نواحی حاشیه‌ی شهری، از طریق آموزش‌های رسمی و فنی و حرفه‌ای و بالا بردن سطح تحصیلات و مهارت جوانان از راه تشویق آنان به فراگیری علم و دانش، تخصص و مهارت، به منظور جذب در اقتصاد بخش رسمی و کاهش اشتغال در بخش غیررسمی در آینده‌ی این سکونتگاه‌ها.

۷ - بهبود بخشیدن به شرایط زندگی در زاغه‌ها و مناطق حاشیه‌نشین که شامل ایجاد زیرساخت‌های مناسب مانند شبکه‌های ارتباطی، سیستم تخلیه فاضلاب، آب، برق، گاز و تلفن می‌شود. (ابراهیم زاده - بریمانی - نصیری، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

نتیجه گیری

اقتصاد حاشیه‌نشینان در شهر بهشهر بیشتر بر پایه تکدی‌گری و فروش مواد مخدر است که این امر باعث فساد اخلاقی، افزایش اعتیاد، دزدی و ناامنی... در شهر گردیده است. با افزایش جمعیت این گروه‌ها میزان جرائم اجتماعی نیز در حال افزایش است. عواملی چون عدم رعایت بهداشت، وجود محیط‌های غیر بهداشتی در این محلات که منجر به انتشار بیماری‌های عفونی و واگیردار در مناطق شهری شده است از جمله عوامل تشدید کننده اثرات سوء اجتماعی اسکان غیررسمی در شهر بهشهر می‌باشد. عدم توجه مسئولین شهری، موجبات بروز بحران‌های اجتماعی را تشدید می‌کند. بنابراین لازم است، اقداماتی برای کنترل و سامان‌دهی محله‌ها و مسایل آنها صورت گیرد تا در آینده نزدیک با افزایش تعداد جمعیت آنها، اثرات بد اسکان غیررسمی در اجتماع شهری حادث نشود و امکان کاهش و تعدیل و جلوگیری از آن وجود داشته باشد. اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی در شهرها به تدریج رو به گسترش هستند، از این لحاظ مسئولان شهری باید نسبت به رشد چنین مناطقی حساس و هوشیار باشند و سعی لازم را برای اتخاذ تدابیر در جلوگیری از این پدیده به کار ببندند. این مناطق با گسترش بی‌رویه خود، علاوه بر اینکه سلامت شهر را تهدید می‌کنند باعث ایجاد مسائل و مشکلات شدید اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هم می‌گردند. تعبیر پیشگیری بهتر از درمان، مفهومی هشدار دهنده است که همواره باید نسبت به مناطق حاشیه‌نشین مد نظر قرار گیرد و در صورت وجود این‌گونه مناطق، به سامان‌دهی و توانمندسازی آن توجه نمود. با توجه به این وضعیت برای حل معضل اسکان غیررسمی بهشهر راه‌کارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- آموزش مهارت‌های فنی لازم برای بدست آوردن شغل مناسب و دائمی
- ۲- تأکید بر ساخت پروژه‌های آموزش حرفه‌ای و کاریابی، مرکز راهنمایی و مشاوره، بهداشت و تنظیم خانواده، مهد کودک و احداث فضای جمعی در مناطق حاشیه‌نشین
- ۳- بالا بردن سطح رفاه و بهداشت و فرهنگ عمومی و برگزاری دوره‌های آموزشی لازم.
- ۴- کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت و تنظیم خانواده
- ۵- به رسمیت شناختن حقوق شهروندان ساکنان مناطق حاشیه‌نشین در برنامه‌ریزی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و تأمین اعتبارات مالی و پرداخت تسهیلات وام برای ساماندهی و توانمندسازی.
- ۶- ایجاد همکاری و هماهنگی بین سازمانهای مختلف مدیریت شهری (شهرداری، فرمانداری آموزش و پرورش، مراکز فنی و حرفه‌ای، شبکه بهداشت و...) برای حل مشکل حاشیه‌نشینی.
- ۷- بهسازی و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی مناطق حاشیه‌نشین با توسعه زیرساخت‌های شهری.

منابع

- ۱- ابراهیم‌زاده عیسی ، بریمانی فرامرز ، نصیری یوسف ، ۱۳۸۳، حاشیه‌نشینی، ناهنجاری‌های اجتماعی و راهکارهای تعدیل آن مطالعه موردی ،؛ کریم آباد زاهدان، مجله جغرافیا و توسعه.
- ۲- حسین زاده دلیر، کریم ، ۱۳۷۰، حاشیه‌نشینی: در جستجوی معنی و مفهوم ، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ی ۴۵-۴۶.
- ۳- پاتر رابرت ، ایوانز سلی لوید ، ۱۳۸۴، شهر در جهان در حال توسعه ، ترجمه کیومرث ایران دوست و همکاران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- ۴- زاهد زاهدانی سید سعید، ۱۳۶۹، حاشیه‌نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ اول.
- ۵- دراکیس اسمیت، دیوید، ۱۳۷۷، شهر جهان‌سومی، ترجمه فیروز جمالی، نشر توسعه.
- ۶- شکوئی حسین، ۱۳۵۴، حاشیه‌نشان شهری‌خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۷- شماعی علی، پورا احمد احمد ، ۱۳۸۴، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا ، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- صفوی علی ، ۱۳۸۱، توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی (تجربه زاهدان) ، ماهنامه شهرداری ها . انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور . شماره چهل و ششم.
- ۹- عابدین درکوش سعید، ۱۳۷۲، درآمدی بر اقتصاد شهری ، چاپ دوم ، مرکز نشر دانشگاهی ، تهران.
- ۱۰- عسکری علی بابا، ۱۳۵۰، اشرف البلاد، شرکت ایران چاپ، چاپ شماره ۶۱۳.
- ۱۱- منصوریان محمدکریم، آیت‌اللهی - علیرضا ، ۱۳۵۶، حاشیه‌نشینان شیراز ، دانشگاه شیراز.
- ۱۲- مجله‌ی جهاد، ۱۳۶۶، تعریف و مفهوم حاشیه‌نشینی و گسترش حاشیه‌نشینی در جهان، نشر جهاد دانشگاهی، شماره ی ۱۰۴.
- ۱۳- هادیزاده بزاز مریم، ۱۳۸۲، حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات دانشگاه مشهد، چاپ اول.